مصاحبه با خبرگزاری دانشجو
بهائیت دین نیست یک حزب است.

دکتر کامیار صداقت ثمرحسینی
عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



منبع خبرگزاری دانشجو کد خبر : ۲۸۳۷۳۳ تاریخ: ۸ / ۱۰ / ۱۳۹۲
http://www.snn.ir/print/۲۸۳۷۳۳

دانشجو

کد مطلب: 283733 | تاریخ: یکشنبه ۸ دی ۱۳۹۲ | ساعت: ۱۲:۲۲

صداقت ثمرحسینی در گفتوگو با «خبرگزاری دانشجو»:

بهائیت دین نیست یک حزب است/ بهایی‌ها شدیداً اهل نفاقند/ برخورد امام(ره) با بهائیان

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی گفت: حضرت امام(ره) در مصاحبه ای پیش از پیروزی نهایی انقلاب اسلامی، تاکید کرده بودند که ...

گروه اندیشه «خبرگزاری دانشجو»؛ بهائیت از جمله مذاهب ساختگی است که با کمک و یاری استعمار سعی در ضربه زدن به اسلام و مذهب تشیع دارد. اما از آنجا که کمک های مالی و رسانه ای بسیاری از سوی صهیونیسم و آمریکا برای حیات و رواج این مذهب باطله صورت گرفته است برای برخی حق پوشیده مانده و سوالات متعددی پدید آمده است.

اما اگر به تاریخ شکل گیری این مذاهب ساختگی بیشتر دقت کنیم به راحتی متوجه باطل بودن آن خواهیم شد. بنابراین در گفت و گویی با دکتر کامیار صداقت ثمرحسینی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به بررسی شکل گیری این مذهب ساختگی و حواشی آن پرداختیم.

«خبرگزاری دانشجو» - در ابتدا بفرمایید که فرقه بهائیت چگونه شکل گرفت؟

ثمرحسینی: داستان بهائیت ازفردی به‌نام علی محمدشیرازی که بنیانگذار فرقه ضاله بابیه بود آغاز می‌شود که در سال 1260 قمری دعوت خود را به عنوان باب علنی ساخت. این مبدأ زمانی بعدها به عنوان مبدأ مهمی در تقویم تاریخی بهائی ها ثبت شد. شکل گیری بابیه در بستر شیخیه بودکه توسط فردی به نام شیخ احمد احسایی ایجاد شد و به دست شاگردش سیدکاظم رشتی بسط یافت. این علی محمد شیرازی مدتی را شاگرد سید کاظم رشتی بود و پس از او ادعای جانشینی اش را داشتند. سیر انحرافی علی محمد شیرازی تدریجی بود و از آنجا که کارش در میان جمعی بالا می‌گرفت، بر ادعاهای خود می‌افزود.

مصاحبه با خبرگزاری دانشجو
بهائیت دین نیست یک حزب است.

دکتر کامیار صداقت ثمرحسینی
عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

گروه اندیشه «خبرگزاری دانشجو»؛ بهائیت از جمله مذاهب ساختگی است که با کمک و یاری استعمار سعی در ضربه زدن به اسلام و مذهب تشیع دارد، اما از آنجا که کمک های مالی و رسانه ای بسیاری از سوی صهیونیسم و آمریکا برای حیات و رواج این مذهب باطله صورت گرفته است برای برخی حق پوشیده مانده و سوالات متعددی پدید آمده است.

اما اگر به تاریخ شکل گیری این مذاهب ساختگی بیشتر دقت کنیم به راحتی متوجه باطل بودن آن خواهیم شد، بنابراین در گفت و گویی با دکتر کامیار صداقت ثمرحسینی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به بررسی شکل گیری این مذهب ساختگی و حواشی آن پرداختیم.

خبرگزاری دانشجو» - در ابتدا بفرمایید که فرقه بهائیت چگونه شکل گرفت؟

ثمرحسینی: داستان بهائیت ازفردی به‌نام علی محمدشیرازی که بنیانگذار فرقه ضاله بابیه بود آغاز می‌شود که در سال ۱۲۶۰ قمری دعوت خود را به عنوان باب علنی ساخت. این مبدأ زمانی بعدها به عنوان مبدأ مهمی در تقویم تاریخی بهائی ها ثبت شد. شکل گیری بابیه در بستر شیخیه بودکه توسط فردی به نام شیخ احمد احسایی ایجاد شد و به دست شاگردش سیدکاظم رشتی بسط یافت. این علی محمد شیرازی مدتی را شاگرد سید کاظم رشتی بود و پس از او ادعای جانشینی اش را داشت. سیر انحرافی علی محمد

شیرازی تدریجی بود و از آنجا که کارش در میان جمعی بالا می‌گرفت، بر ادعاهای خود می‌افزود.

برای مثال ابتدا ادعای تفسیر قرآن داشت، سپس مدعی ارتباط با حضرت امام زمان(عج)شد. آنگاه مدعی شدکه خودش امام زمان است و سرانجام ادعای ربوبیت والوهیت کرد. این را هم در حاشیه مطلب اضافه کنم که حجت الاسلام رسول جعفریان کتابی را با عنوان «مهدیان دروغین» نوشته و منتشر کرده است، که مطالعه آن خالی از لطف نیست.

غائله بابیه به همت امیرکبیرسرکوب شد. به لحاظ سیاسی دوران شیخیه در زمان حکومت فتحعلی شاه قاجار و دوران بابیه در زمان حکومت محمد شاه و اوایل دوران حکومت ناصرالدین شاه بود. سرانجام غائله بابیه به همت امیرکبیرسرکوب شد. پس ازقتل باب،دو برادر به نام های میرزا یحیی(صبح ازل) و میرزا حسین علی ملقب به بهاء الله راه او را دنبال کردند که بعدها رقیب هم شدندکه نهایتاً دو شاخه فکری به‌نام های ازلیه (اقلیت) و بهائیه(اکثریت) شکل گرفت.

پس از بهاء الله، پسر ارشدش به نام عباس افندی که ملقب به عبدالبهاء بود و از سوی انگلیسی‌ها نیز ملقب به لقب «سِرْ» شده بود و پس از او نوه دختری‌اش به نام شوقی افندی (ملقب به امر الله) رهبر این فرقه ضاله شدند.

خبرگزاری دانشجو» - بیت العدل در چه مرحله‌ای شکل گرفت؟

ثمرحسینی: عباس افندی سفری را به اروپا و آمریکا کرد و در آنجا کوشید تا تعالیم اصلی بهائیان را مدون کند. در دوران شوقی افندی مقر اصلی بهاییان به حیفا در فلسطین اشغالی منتقل شد. پس ازشوقی افندی، از آنجا که او فرزندی نداشت، ابتدا رقابتی بین همسر کانادایی او به نام «روحیه ماسول» و فردی آمریکایی به نام «چارلز میسن ریمی»که روابط نزدیکی با شوقی داشت، رخ داد که هیچ یک از آنها در قبضه قدرت و جلب‌نظر دولت‌های بریتانیا و آمریکا موفق نبودند؛ بنابراین انشعابی موقت صورت پذیرفت. نهایتاً رهبری بهاییان به هیئت نه نفره‌ای موسوم به «بیت العدل» سپرده شد که در اصل توسط عباس افندی پیشنهاد شده بود و شش سال پیش از مرگ شوقی افندی رسماً

اجرایی شد. این هیئت هر پنج سال یکبار تغییر می‌کند و مقر اصلی آن در فلسطین اشغالی است و البته در مناطق مختلف جهان شعبات و رهبران محلی نیز دارد.

خبرگزاری دانشجو» – آیا بهائیت نسبت به افرادی که از این آیین خارج می‌شوند، رفتاری سختگیرانه دارد؟

ثمرحسینی: آن گونه که برخی از نویسندگان همانند فضل الله مهتدی (صبحی) در کتاب نقل کرده‌اند، بهایی‌ها نسبت به هرکس که از آیینشان روی برتابد، تا آنجا که بتوانند او را زیر فشار قرار می‌دهند و درباره او لوحی به عنوان «لوح قهریه» صادر می‌کنند که مشتمل بر تکفیر اوست. خود مهتدی آنگونه که بیان کرده است به دلیل برگشت از عقاید بهائیت، تا مدتها زیر فشار بوده است و حتی از خانه پدری خود طرد شده بود.

خبرگزاری دانشجو» – شکل گیری بهائیت تا چه اندازه متأثر از جریانات سیاسی و استعماری بود؟

ثمرحسینی: به لحاظ تاریخی، شیخیه خاستگاه بابیه و بابیه خاستگاه بهائیت است و شکل گیری این فرقه‌ها مثال و نمونهٔ خوبی است که تحصیل علم بدون رعایت اصول و تهذیب نفس تا چه اندازه برای خود فرد و بلکه برای جامعه و مسلمانان خطرناک است.

ازسوی دیگر باید توجه داشت که استعمارگران می‌کوشند تا با شناخت زمینه‌ها یا انحرافات درونی جوامع اسلامی،بر روی آن سرمایه گذاری کنند. در زمینهٔ بهائیت نیز چنین شد. مرحوم حضرت امام خمینی(ره) یکی از راه های اجانب در مبارزه با اسلام و مذهب مقدس جعفری را در کنار حمایت از دولت های وابسته، ایجاد مذاهب باطله و ترویج بهائیت و یا وهابیت می‌دانند.

مطامع استعمارگران صرفاً اموری داخلی در قبال شیعه نیست، در موارد متعددی آنان از این فرقه کافر و پلید، به عنوان حربه‌ای جهت تشتت مسلمانان نیز استفاده می‌کنند. برای مثال، مخالفان تقریب مذاهب اسلامی همچون محب الدین خطیب که از مخالفان سرسخت وحدت اسلامی و دارالتقریب قاهره بود، کوشیده‌اند تا بهائیت را امتداد تشیع معرفی کنند؛ در حالی که بهائیت عناد و دشمنی محض با تشیع است و اینگونه اتهامات محصول القائات دشمنان اسلام جهت بدبین کردن مسلمانان نسبت به یکدیگر است.

خبرگزاری دانشجو» – عمده ترین انحرافات بهائیت چیست؟

ثمرحسینی: بستر اصلی شکل گیری بهائیت، انحراف کامل ازاصول بنیادین اعتقاد اسلامی یعنی قرآن و سنت است. احکام دین جز از خداوند متعال، رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله و اهل‌بیت علیهم السلام گرفته نمی‌شود. امری که مورد تاکید بسیاری از روایات همچون حدیث ثقلین است.

بر این اساس، هرگونه تشریعی در برابر تشریع الهی مردود و نامشروع است. سنت رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله مشروعیت دهنده به رفتار و گفتار افراد است و نه آنکه رفتار و گفتار افراد بدان مشروعیت بخشد. اجتهاد در «مقابل نص مروی از رسول‌الله» صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باطل است و مخالفت با چنین عملی، از سوی هر کس که رخ دهد، واجب است.

معیار و میزان همه چیز قول و سنت رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله و سلم است که از طُرُق صحیح به ما رسیده باشد. ادعاهایی چون مهدویت، نبوت، ربوبیت و مانند آن تا وضع خودسرانه احکامی در کشف حجاب و یا پاکی و نجاست و ... همه و همه در سیاق نفس‌پرستی و تأویلات باطل کفرآمیز شکل گرفته است. زمانی که فردی نوشته بی‌محتوای خود را وحی بنامد، مستعد انجام هرکاری خواهد شد. از همین روست که تمام مراجع بزرگ شیعه از قبیل آیات عظام بروجردی، خمینی، گلپایگانی، مرعشی نجفی و...، فرقه بهائیت رافرقه‌ای ضاله دانسته‌اند و قاطعانه بر کفر و نجاست بهائیان حکم داده‌اند. مرحوم حضرت امام خمینی(ره) چند تعبیر رسا درباره این فرقه ضاله دارند. یکی از آنها اصطلاح «یهودی‌های بهایی» است؛ این بهائیت و صهیونیسم چنان به هم نزدیک شده‌اند که نمی‌توان آنها را از هم جدا کرد .

دوم تصریح به این موضوع است که بهائیت «یک دین» نیست؛ بلکه یک «حزب» است؛ تعبیر حزب بهائیت، بهترین تعبیر برای فهم آن است. بهایی‌ها از همان ابتدای شکلگیری خود، درگیر فعالیت حزبی برای بسط عقاید کفر آمیزشان بوده‌اند. مرحوم حضرت امام(ره) درمصاحبه ای پیش ازپیروزی نهایی انقلاب اسلامی، تاکید کرده بودند که بهایی هیچ آزادی سیاسی، حزبی و مذهبی درایران نخواهد داشت و در ارزیابی رژیم پهلوی معتقد بودند که سیاستی که در ایران دنبال می‌شد آن بود که مقدرات مسلمانان را به دست غیر

مسلمانان مانند «یهودی‌های بهایی»بسپارند و سیاست‌های رژیم پهلوی درباره زنان را بر پایه اصول عبدالبهاء می‌دانست و از این رو ایشان دین را در معرض خطرمی‌دانست؛ در چنین وضعیتی مسئولیت مسلمانان بسیار سنگین است زیرا به تعبیر مرحوم حضرت امام(ره)، زمانی که دین در خطر باشد،حتی تقیه هم حرام است؛ باید قیام کرد و حق را اقامه کرد؛ چنانکه خود ایشان چنین کردند.

خبرگزاری دانشجو» – گستردگی بهائیت درجهان چگونه است؟

ثمرحسینی: برخلاف بابی‌هاکه گاه جهت دفاع از عقاید کفرآمیزشان ایستادند و کشته شدند و غائله‌های آنها در تاریخ ثبت شده است، بهایی‌هاشدیداً اهل نفاق هستند و به واسطه همین نفاق کوشیده‌اند تا حضور خود را ادامه دهند. برای دوره‌ای طولانی، زمانی‌که در فلسطین اشغالی حضورداشتند،مسلمانان فلسطینی تصور می‌کردندکه آنان مسلمان و سنی هستند! البته اکنون با حمایت رژیم اشغالگر قدس، فعالیتی آشکار دارند و مقر اصلی آنها و گورستان رهبرانشان در سرزمین‌های اشغالی قرار دارد.

از مراکز دیگر بهاییان می‌توان به ایالات متحده آمریکا و بریتانیا اشاره کرد. همچنین در برخی از کشورهای آفریقای شمالی فعالیت‌هایی دارند و تلاش‌های ناکامی هم جهت قانونی‌کردن فعالیت‌های خود در مصر کرده‌اند. آنان در ایران، با سقوط رژیم پهلوی، توان عملیاتی گذشته را در عرصه سیاست و فرهنگ جامعه ایران از دست داده‌اند؛ هرچند همچنان به صورت پنهانی، به فعالیت جهت نابودی عقاید اسلامی مشغول هستند.

این را نیز عرض کنم که در گذشته و به ویژه منابع مرجع بهائیت، جهت تأثیرگذاری بر مخاطب، از نثر فارسی توأم با کلمات عربی و گاه آهنگین و خیال‌انگیزی استفاده می‌شد که به گوش خوش نواز جلوه کند و هر چند متن آنان معنای مشخصی به دست نمی‌داد و به تعبیری سر و تهی نداشت، برای فرد عامی چنین وانمود می‌شد که متضمن معانی عمیقی است. این شیوه را بسیاری از مدعیان دروغین مهدویت دنبال کرده‌اند.

امروز بستر تبلیغات ضد اسلامی، وارد حوزه‌های مختلفی همچون اینترنت و ماهواره و سینما و محصولاتی چون فیلم و موسیقی و ... شده است و فرقه‌هایی چون بهائیت می‌کوشند تا از طریق این شبکه‌ها حضوری جهانی داشته باشند. تعبیر مرحوم امام از

«یهودی‌های بهایی» که پیشتر به آن اشاره کردم، در اینجا اهمیت دارد؛ زیرا کنترل رسانه‌های بزرگ جهانی در دست صهیونیست‌هاست.

در اینجا باید توجه داشت که نفوذ یک عقیده صرفاً به تعداد پیروان آن نیست؛ بلکه حاکم بودن عقاید مطلوبشان در منابع و مراجع اصلی فهم اعتقاد و تاریخ و فرهنگ ملتهاست. در سال‌های اخیر، از سوی محافل بهائیت به ویژه درآمریکا، سرمایه‌گذاری بسیاری شده است تا نقش بهائیت و خاستگاه‌های آن در تاریخ و فرهنگ ایران برجسته شود و منابعی خلق شود که فهم فرهنگ و تاریخ ایران را در ذیل فهم بهائیت قرار دهند؛ مثلاً در دایرهٔ المعارف هایی مانند ایرانیکا (به سرپرستی احسان یارشاطر)، به صورتی هدفمند مدخل ها و یا موضوعاتی افزوده شده‌اند تا غیر مستقیم این باور را به خواننده منتقل کنندکه بهایی‌ها در وقایعی چون مشروطیت ایران، وزنه‌ای غیر قابل انکارند.

همین موضوع به صورتی ملموس‌تر در زمینه آزادی و حقوق زن(بامثال تاریخی قرةالعین)مشاهده می‌شود. اینگونه ادعاها مستقیماً به خواننده گفته نمی‌شود، بلکه خواننده را عملاً در سیاق چنین اندیشه‌ای قرارمی‌دهند و به او القا می‌کنند؛ بی آنکه شاید خود او متوجه شود.

در این زمینه کسانی همچون دکتر رامین خانبگی که به «منبع‌شناسی» توجه وافری دارند، به‌خوبی می‌توانند مسیر بهائیت در تولید منابع را نمایان کنند و افسوس که در بسیاری از مراکز پژوهشی ما آنچنان که باید اهمیت و ارزش منبع‌شناسی درک نشده و حتی منبع‌شناسی در شمار «پژوهش» به‌شمار نرفته است! در حالی که منبع‌شناسی اهمیتی راهبردی برای شناخت و رصد جریانهایی دارد که اکنون در مقابل شیعه و یا ایران مشغول فعالیت هستند.

منبع خبرگزاری دانشجو

http://www.snn.ir/print/۲۸۳۷۳۳

کد خبر : ۲۸۳۷۳۳ تاریخ: ۸ / ۱۰ / ۱۳۹۲